

با سلام و خسته نباشید خدمت آقای شهبازی عزیز و دوستان گنج حضوری گرامی

❌ بی‌مرادی یعنی هر شکستی که ما توی زندگیمون می‌خوریم، از یک مشکل ساده مثل سوختن غذا یا گیر نیاوردن جای پارک تا مشکلات بزرگ زندگی مثل مشکلات رابطه عاشقانه یا مسائل مالی جدی. بی‌مرادی‌ها تو زندگی ما اتفاق می‌افتند تا ما متوجه بشیم که باید از دید خدا استفاده کنیم نه دید خودمون.

خدا داره با بی‌مراد کردن ما بهمون میگه: منو هم ببین، از دید من استفاده کن، من اینجام. در واقع بی‌مرادی لطف خدا به ماست. ما توی ذهن خودمون گم شدیم. مرکز ما پر از درد و همانندگی هست و وقتی جف القلم خدا اجرا میشه، بازتاب این مرکز بد در بیرون اتفاقات بد هست، پس ما هر چقدر هم سعی کنیم نمی‌تونیم زندگیمونو درست کنیم، چون مرکزمون خرابه.

این مرکز خراب توی بیرون هم دنبال ویرانی می‌گرده، همش می‌خواد به سمت ویرانی حرکت کنه، دوست داره روابطمون خراب باشه، دوست داره وضعیت مادیمون بد باشه. من ذهنی ما دوست داره همیشه بدبخت باشه.

✅ چون ز زنده مرده بیرون می‌کند
نفس زنده سوی مرگی می‌تند
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم بیت شماره ۵۵۰

❌ البته خدا هم می‌خواد به ما کمک کنه. خدا هر لحظه داره لطف و محبتشو برای ما می‌فرسته اما مرکز ما نمی‌زازه خدا بهمون کمک کنه. مرکز ما خرابه و قانون خدا اینه که بیرون زندگی ما مثل درونمون باشه و قانون جف القلم اجرا بشه، پس تا وقتی که مرکز ما خراب هست و پر از درد و همانندگیه زندگی ما درست نمیشه.

بی‌مرادی‌هایی که توی زندگی ما اتفاق می‌افتند، در واقع سخنی از طرف خدا با ما هستند. خدا داره با قضا و کن‌فیکان خودش این بی‌مرادی رو تو زندگی ما میاره تا من ذهنی ما رو بشکنه. این مرکز بد رو از بین بره و من ذهنی ما خاموش بشه.

پس هم جف القلم مرکز بد ما هست که باعث اتفاقات بد زندگی‌مون و هم کن‌فیکان خدا که قصد خدا از این اتفاقهای بدی که برای ما می‌سازه اینه که ما این من‌ذهنیو ادامه ندیم و زندگیمون خوب بشه.

در واقع کن‌فیکان خدا شاید ظاهرش بد باشه اما اکه ما اون رو بپذیریم و دید خدا رو بیاریم مرکزمون، لطف و خرد و عقل و شادی خدا به زندگی ما وارد میشه و زندگیمون خیلی بهتر میشه.

ایباتی در مورد اینکه دلیل اتفاقات بد زندگیمون خودمون هستیم. 🙏

✅ وزنه آدم کی بگفتی با خدا
رینا انا ظلمنا نفسنا
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم بیت شماره ۴۰۴

✅ بل قضا حقست و جهد بنده حق
هین مباش اعور چو ابلیس خلق
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم بیت شماره ۴۰۷

✅ بر قضا کم نه بهانه ای جوان
جرم خود را چون نهی بر دیگران
خون کند زید و قصاص او به عمر؟
می خورد عمر و بر احمد حد خمر؟
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم بیت شماره ۴۱۳ و ۴۱۴

گرد خود برگرد و جرم خود ببین
جنبش از خود ببین و از سایه مبین

که نخواهد شد غلط پاداش میر

خشم را می‌داند آن میر بصیر

چون عسل خوردی نیامد تب به غیر
مزد روز تو نیامد شب به غیر
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم بیت شماره ۴۱۵ الی ۴۱۷

✖ حالا ما در برابر بی‌مرادی‌ها تو زندگی‌مون دو تا راه داریم، یا ساکت می‌شیم و واکنشی نشون نمیدیم، یا ستیزه می‌کنیم و با خشم یا رنجش یا اضطراب یا غم به اتفاق واکنش نشون میدیم. اگه واکنشی نشون ندیم، یعنی داریم به قضا و کن فیکان خدا کمک می‌کنیم که من‌ذهنی ما رو از بین ببره.

هدف اینه که ما خودمونو بشکونیم. من‌ذهنی رو از بین ببریم. وقتی این من‌ذهنی از بین بره، اونموقع خدا میاد به مرکز ما. وقتی خدا بیاد به مرکز ما، بازتاب این مرکز عدم در بیرون، پر از لطف و خیر و برکت و شادی هست. روابط ما درست میشه، چه با دوستانمون، چه با شریک زندگی‌مون. وضعیت مالی ما درست میشه، بدن ما سالم میشه، قدرت ما زیاد میشه، ما شاد می‌شیم. پس اگه ما در برابر این بی‌مرادی‌ها واکنشی نشون ندهیم و فضا رو باز کنیم، داریم درهای بهشت رو به روی زندگی‌مون باز می‌کنیم.

اما اگه به اتفاقات بد زندگی که همون بی‌مرادیه، با خشم و رنجش و کینه واکنش نشون بدیم و فضا رو ببندیم و ستیزه کنیم، دوباره داریم روش من‌ذهنی رو ادامه میدیم. داریم من‌ذهنی رو حفظ می‌کنیم. داریم این مرکز بد رو حفظ می‌کنیم و این مرکز بد هم ما رو به سمت نابودی می‌بره و روابط و وضعیت مالی و ابعاد دیگه زندگی ما رو خراب می‌کنه.

✔ بی‌مرادی شد قلاووز بهشت
حفت الجنه شنو ای خوش سرشت
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت شماره ۴۴۶۷

✔ از هر جهتی تو را بلا داد
تا باز کشد به بی‌جهات
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۶۸

✖ پس بی‌مرادی‌ها و اتفاقات بد زندگی‌مون، بزرگترین لطف خدا به ما هستند. این همه در برابر اتفاقات بد واکنش نشون دادیم و رنجیدیم و عصبانی شدیم و ناراحت شدیم، هیچ تغییری هم تو زندگی‌مون اتفاق نیفتاد. پس چرا یکبار بی‌واکنشی رو امتحان نکنیم؟ البته اگه نیاز باشه، باید با فضاگشایی اتفاق رو تغییر بدیم. چرا یکبار سکوت کردن رو امتحان نکنیم؟ چرا نمی‌زاریم این من‌ذهنی از بین بره و زندگی ما درست بشه؟ ما باید منتظر اتفاق‌های بد باشیم و اونا رو با جون و دل بپذیریم تا ذهنمون ساکت بشه و برای همیشه از بین بره و خدا پاشو تو زندگی ما بزاره.

✔ بانگ می‌زد آتش ای گیجان گول
من نیام آتش، منم چشمه قبول
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت شماره ۴۳۵

✔ خشم خود بشکن، تو مشکن تیر را
چشم خشم خون شمارد شیر را
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت شماره ۱۳۰۷

✖ ما باید متوجه بشیم این اتفاقات بد، موقت هستند. این اتفاقات بد، برای این هستند که من‌ذهنی ما از بین بره. این اتفاقات بد رو اگه ما بپذیریم و با خشم یا رنجش و یا ناراحتی در برابرشون واکنشی نشون ندهیم، باعث از بین رفتن من‌ذهنی ما می‌شوند.

شاید توی اتفاقات بد، بنظر میاد که ما داریم از هدفمون دور می‌شیم. شاید ما یک هدفی رو تو زندگی‌مون داریم، مثلا ممکنه یک هدف مالی داشته باشیم و شاید دوست داریم با کسی رابطه برقرار کنیم. این اتفاق بد تو ظاهر داره ما رو از هدفمون دور می‌کنه اما واقعیت اینه که اگه ما در برابر اون اتفاق واکنش نشون بدیم واکنش ما نسبت به اتفاقه که ما رو از هدفمون دور می‌کنه، یعنی واکنش ما در برابر اتفاق خیلی مهمتر از خود اتفاقه.

اگه ما واکنش نشون بدهیم به اتفاق از جنس اون اتفاق می‌شیم. قربانی اون اتفاق می‌شیم و جنس اون اتفاق بیشتر تو زندگی ما تکرار میشه. اما اگه ساکت بمونیم و واکنشی نشون ندیم و به خدا کمک کنیم تا من‌ذهنی ما رو از بین ببره، اون موقع از دل این اتفاقای بد، اتفاقای خوب وارد زندگی ما می‌شوند. مثل یوسف پیامبر که برادرش به چاه انداختنش و بعدش هم هفت سال به زندان رفت ولی همین اتفاق‌های به ظاهر بد، باعث شد به عزیزی مصر برسه. در واقع خدا برای موفق کردن ما تو زندگی‌مون، نیازی به دلیل و واسطه نداره. نیازی به سببها نداره. همه قدرت در اختیار خداست. رفتار همه انسانها رو خدا داره کنترل می‌کنه. همه اتفاقات رو خدا داره بوجود میاره. فقط منتظره ببینه ما چه واکنشی نشون میدیم. اگه سکوت رو امتحان کنیم و این من‌ذهنی رو از بین ببریم و به خدا ایمان داشته باشیم و

مطمئن باشیم همه چیز دست خداست، خدا از دل اتفاقی بد، اتفاقی خوب رو به زندگیمون مباره و زندگی ما رو از این رو به اون رو می‌کنه و باعث پیشرفت ما هم در مسائل معنوی و هم در مسائل مادی زندگیمون میشه.

✓ از مسبب می‌رسد هر خیر و شر نیست اسباب و وسایط ای پدر
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت شماره ۱۵۵۴

✓ دم او جان دهدت رو ز نفخت بپذیر
کار او کن‌فیکون است نه موقوف علل
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۳۴۴

✗ خیلی از ما هدفهایی رو توی زندگیمون داریم. اکثریت این هدفها، واقعا اهداف خوبی هستند. اهداف سازنده‌ای تو زندگیمون هستند. شاید ما می‌خواهیم رابطه خوبی رو با یک نفر داشته باشیم. شاید ما می‌خواهیم وضعیت مالی خوبی داشته باشیم و در آسایش زندگی کنیم. شاید کسی برای خودش هدف گذاشته که بدن سالمی داشته باشه و همیشه ورزش بکنه.

این هدفها رو خدا توی ذهن ما گذاشته و خدا دوست داره که ما به هدفهامون برسیم و زندگی خوبی داشته باشیم ولی مشکل اینه که ما با من‌ذهنیمون داریم به سمت اهداف میریم. اگه من‌ذهنی رو از بین ببریم، همه چیز درست میشه. اول از همه شادی و قدرت و خرد خدا به زندگیمون میاد و بعدش هم زندگی بیرون ما درست میشه.

در واقع خدا داره میگه: تو بزار من به زندگیت پیام. اون هدفها رو من خودم بهت نشون دادم که انقدر دنبالشی ولی با من‌ذهنیت داری خرابشون می‌کنی. تو بزار من پیام به زندگیت، هر چیزی که می‌خوای رو من درست می‌کنم برات. تو خودت کاری نکن.

✓ هر کراماتی که می‌جویی به جان او نمودت تا طمع کردی در آن
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت شماره ۳۶۵

✓ اگر نخواهم داد، خود نمایش
چونش کردم بسته دل، بگشایمش
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت شماره ۳۷۴

✓ ای طالب خوش حمله من راست کنم جمله
هر خواب که دیده‌ستی، هر دیگ که پختستی
-مولوی، دیوان شمس غزل شماره ۲۵۸۲

✗ البته باید اینو بدوینیم که ما از هدفهامون نباید مراد بخوایم. ما از هدفهامون نباید شادی و خوشبختی بخوایم. مراد ما رو خدا در این لحظه بهمون میده. شادی و خوشبختی ما رو خدا در این لحظه بهمون میده. اون چیزایی که تو ذهنمونند، نمی‌تونند این چیزا رو به ما بدن یعنی اصلا شادی و خوشبختی ندارن که بخوان به ما بدن. پس ما می‌تونیم دنبال اهدافمون بریم اما نباید از شون زندگی بخوایم چون بی‌مراد می‌شیم. اما اگه از اهدافمون زندگی نخوایم راحت به اونا می‌رسیم.

✓ جمله بی‌مرادیت از طلب مراد توست
ور نه همه مرادها همچو نثار آیدت
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۲۳

✗ خدا خودش می‌دونه ما چی رو می‌خواهیم. اما اگه ما همش از خدا تقاضای کمک بکنیم یعنی داریم فرض می‌کنیم که خدا عقل نداره. داریم فرض می‌کنیم خدا نمی‌فهمه که باید اون چیز رو توی زندگیمون درست کنه. ما از خدا فقط باید خودشو بخوایم، وقتی خودش بیاد تو زندگیمون بقیه چیزها هم درست میشه.

✓ آنکه از دادش نیاید هیچ بد
داند و بی‌خواهشی خود می‌دهد
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت شماره ۳۳۷

✓ از خدا غیر خدا را خواستن
ظن افزونیست و کلی کاستن

-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت شماره ۷۷۳

✕ پس بیاید خودمونو امتحان کنیم. مثلا آیا می‌تونیم در برابر طعنه زندهای مردم ساکت بمونیم و حزم کنیم؟ آیا می‌تونیم وقتی مردم من‌ذهنی ما رو کوچیک می‌کنند، واکنشی نشون ندیم؟ این مردم درونشون پر از درده و وقتی به ما می‌رسند توی ما هم درد رو بالا میارن. آیا می‌تونیم خودمونو کنترل کنیم و با عصبانیت یا رنجش یا غم و ناراحتی واکنشی نشون ندهیم؟

✓ حزم کن از خورد کین زهرین گیاست

حزم کردن زور و نور انبیاست

-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت شماره ۲۱۴

✓ از قرین بی‌قول و گفتگوی او

خو بدزدد دل نهان از خوی او

-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت شماره ۲۶۳۶

با تشکر از همه دوستان عزیز و آقای شهبازی گرامی

عباس از شیراز

